

باز خوانی یادداشت ماه رمضان رهبر سبز صبر و استقامت برای احقاق حق

میر حسین موسوی



این روزها مردم ما در با شکوه ترین و زیباترین میهمانی های هستی و نورانی ترین ماه سال حضور دارند. ماهی که نزول آیات و برکات آسمانی در آن صورت گرفته و می گیرد. شهبایی که انوار تجلیات شب قدر آن بر جان و دل یکایک بندگان خالق بی همتا نور افشانی می کند.

امروز در جامعه ایرانی به تبع آنچه در بیش از یکسال گذشته اتفاق افتاده مردم بیشتر از هر زمانی با پرسشهای تعیین کننده و حساس درباره خود و جامعه ای که بدان تعلق دارند روبرو هستند.

مردم ما از خود می پرسند که استقلال سیاسی که ارمان قیام و نثار خونهای بسیار بوده است تا چه اندازه به عزت و افتدار و سرفرازی و استقلال اقتصادی کشورمان در جهان ومنطقه انجامیده است؟ مردم ما به حق نگران حرکات خام دولتمردانی فاقد حمایت مردمی هستند، یعنی بی بهره از گرانترین سرمایه و پشتوانه ما در تعاملات خارجی در طول دو دهه گذشته، و نگران از آنکه بی بهره گان از اعتماد ملی در پشت سر ملت چوب حراج بر منافع ملی بزنند و سرزمینی سوخته در پشت سر خود بر جای گذارند.

مردم در شهبای شهادت حضرت علی علیه السلام از خود می پرسند تا چه اندازه در زندگی شان از عدالت اجتماعی و اقتصادی و عدالت قضائی و حقوقی و عدالت اداری و استخدامی برخوردار شده اند؟ آیا بسیج و نیروهای نظامی و امنیتی و انتظامی از مال و جان و آبرو و حقوق آنان دفاع می کنند یا از مکانت و مکتن و قدرت زور مداران؟ مردم می پرسند آیا سفره آنان امروز رنگین تر از دیروز است و یا حاصل وعده دروغین آوردن نفت بر سر سفره هاشان کوچکتر شدن این سفره ها و تحلیل رفتن لوازم رفاه در زندگی آنان بوده است؟ این پرسش ها و صدها پرسش مانند آن، دغدغه آحاد مردمان ایران عزیز شده است و تبلیغات دروغین در پائین آمدن نرخ تورم، نمایش های پرهزینه برای نشان دادن حمایت مردم از دولت، سخنرانی های پرهیاهو برای موفق نشان دادن سیاست های دولتمردان، اصرار مکرر در نشان دادن خاموشی صدای اعتراض و انتقاد مردم، آنچنان نخ نما و بی فایده شده که گویی استفاده پرتکرار از این ابزارها تنها برای تسلی دل حاکمان است که صورت می پذیرد.

در این شهبای کاش حاکمان بیش از هر چیز به شکاف عمیق بی اعتمادی بین خود و مردم می اندیشیدند و عمق فاجعه ای که اتفاق افتاده را درک می کردند.

کاش درهای زندانهایی که آزادزان و آزادمردان دلسوز این آب و خاک را در آن به بند کشیده باز می کردند و از آنان درخواست می کردند که آنها را در نجات یافتن از وضعیت مخاطره آمیزی که در آن قرار دارند یاری دهند.

مردم می گویند کاش به جای مهندسی فرهنگ و دانشگاهها بار دیگر پشتوانه عظیم مردمی را که روزگاری دولتمردان ما به هنگام نشستن پشت میز مذاکره همراه خود داشتند به دست می آوردید، تا می توانستید با عزت و اقتدار، از منافع ملی و بین المللی این سرزمین جاتانه دفاع کنید. راه و رسم سخن گفتن را با مردم دگرگون و صداقت و شفافیت را جایگزین دروغ و تزویر کنید. با مردم خود آشتی کنید و از پشتوانه آنها عزت کسب کنید، تا مجبور نشوید در مناسبات خارجی خود تن به دلت دهید.

اسلام رحمانی را بجای اسلام متحجرین تشنه قدرت بنشاندید، همکاری و همدلی و اتحاد مبتنی بر اجماع ملی را بر استفاده از زر و زور و تزویر ترجیح دهید، آنگاه خواهی دید که همین مردم ستم دیده از شما، آماده بخشش شما خواهد بود. در غیر این صورت، مردم شما را تنها خواهند گذاشت و سرانجام همه حکومت های خودکامه ای که ملتشان آنها را تنها گذاشت، در انتظار تان خواهد بود.

و سخن آخر این همراه کوچک جنبش سبز، با دیگر همراهان پایدار و مقاوم در سراسر ایران عزیز است. در هر کجای این سرزمین پر عظمت که زندگی می کنیم چاره ای جز صبر و استقامت در راه احقاق حق نداریم و باید شعله های آگاهی را در ظلمت ناپایداری که این روزها بر میهمان سایه افکنده است زنده نگه داریم.

- * ابوالفضل قذیانی، زندانی سیاسی با توصیه پزشک به اعصاب غذای پایان داد.
- * علی ملیحی، زندانی سیاسی اوین پس از اتمام مرخصی به زندان اوین بازگشت.
- * سومین دادگاه محمد سیف زاده به دلیل شرکت نکردن او به ۲۶ همراه مو کول شد.

چهار عامل «قدرت طلبی دولتمردان»، «به قدرت رسیدن افراد فاقد صلاحیت»، «سلب حق انتقاد از دولتمردان» و «انزواي عالمان و نخبگان متعده» از جمله عوامل خودسری و خودکامی رهبران و دولتمردان عالی رتبه حکومت هاست.

سید مصطفی تاج زاده در نامه ای به صالحی

به جای چوب حراج به کشور رهبری را با واقعیات روبرو کنید

دایره شمول آن خارج می سازد عملا زمینه ساز فقر مادی و اقتصادی و تهدید امنیتی و نظامی علیه کشور شده است.

او با بیان اینکه من در زندان انفرادی یادگرفته ام چگونه عزم زندانبانان حاکم را در ایجاد محدودیت و ایزوله کردن و بی خبری زندانی از جهان خارج را به چالش بکشم و با سفید خوانی به حقایق و اطلاعات پشت پرده و مسکوت در رسانه ها که حاکمان از بیان آن اجتناب می کنند، پی ببرم نوشته است: دستگاه دیپلماسی کشور ماموریت یافته تا آنجا که می تواند نسخه بازسازی شده روش قذافی قبل از قیام های عربی رادر سازش باخارجی ها پیاده کند و نشان دهد اعطای امتیازات و باج های سنگین اقتصادی و سیاسی به روسیه و چین و چوب حراج زدن به ثروت ملی و فروش محموله های نفت سرگردان در دریاها به بهای اندک و عشو گری های اقتصادی در برابر اروپا و آمریکا با عرضه ظرفیت های ایران در همکاری های اقتصادی!! حلقه مکمل سیاست سازش ناپذیری در برابر ملت و لجاجت در برابر مطالبات بر حق شهروندان است.



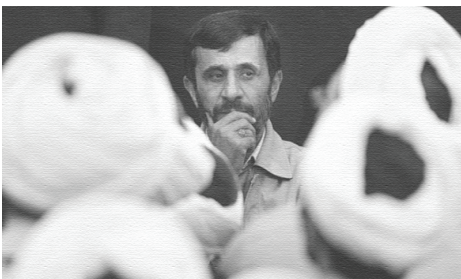
ISNA/PHOTO: EASA SHARAH

سیدمصطفی تاج زاده، زندانی سیاسی طی نامه ای خطاب به وزیر امور خارجه با طرح این نکته که ایران امروز آشکارا خواهان گفت و گو و مذاکره با طرف های آمریکایی و اروپایی جهت حل بحران هسته ای است، پرسیده است: چرا مذاکره و گفت و گو با قدرت های خارجی و وارد شدن به توافقات گام به گام و تأمین کننده منافع هر دو طرف امری معقول و پسندیده است اما چنین مذاکره و گفت وگویی با شهروندان خود که به افزایش قدرت ملی در برابر بیگانگان می انجامد امری ناممکن؟ آ یا باید با امریکا و دول غربی به زبان «گفتن» سخن گفت و با شهروندان خودی و منتقد به زبان زندان؟

او هشدار داده که به جای نادیده گرفتن این تناقض و نشان دادن در باغ سبز و چوب حراج زدن به منافع و منابع کشور به امید واهی راضی کردن طرف های خارجی به پایان دادن به فشارها و تهدیدها و تحریم ها، بخشی از این تلاش را مصروف عرضه واقعیات جهانی به رهبری و قانع کردن ایشان به تجدید نظر در اداره کشور فرمایید که تا در داخل در بر همین پاشنه می چرخد، نه کاپوس های شبانه را پایانی خواهد بود و نه طمع حرامیان به این خانه را اتمامی. تاج زاده گفته است: اعمال معیار دو گانه که کاربرد گفت و گو و مذاکره را منحصر به عرصه خارجی می داند و عرصه ملی را از

شیوه قدیمی خرید رای یا هجمه به وجه روحانیت؟

در انتخابات سال ۸۸ نبود و امدادهای غیبی و ضرایب تعلق گرفته به آراء او بود که مجدداً به ریاست دولت هدایتش کرد.



در سال منتهی به انتخابات ریاست جمهوری، بار دیگر احمدی نژاد تا تکنیک های شناخته شده اش را به کار بسته و این بار از کیسه بیت المال ۱۰۰ هزار تومان به حساب روحانیون ریخته و با پیامکی آن را هدیه احمدی نژاد عنوان کرده است. با استفاده کارت پارسیان که از سوی مدیریت حوزه در اختیار طلاب قرار گرفته ، هر ماه مبلغ ۳۰ و ۱۵ هزار تومان در کارت هایشان شارژ می شود که عمدتاً جزئی از شهریه رهبری محسوب می شود که در شارژ اخیر یکباره به ۱۰۰ هزار تومان افزایش یافته و پس از آنکه مشخص شد این کمک از سوی احمدی نژاد صورت گرفته، واکنش های منفی شکل گرفت. معتمدان به تحلیل خریدن رای، به سابقه فراوان احمدی نژاد اشاره می کنند که دولتش را در جامعه مشهور به دولت سبب زمینی کرد . احمدی نژاد گاهی فراموش می کند این حربه ها پیش برنده او

بیانیه اعتراضی دفتر تحکیم در واکنش به سخنان رهبری

نمایش دروغین مصمم تر خواهد نمود.

دفتر تحکیم وحدت با اشاره به سخنان اخیر آیت الله خامنه ای مبنی بر ضرورت انتقادی زیری نوشت: ای کاش رهبر در برابر دانشجویان مخالف و منتقد به خود نیز دستور به تحمل و مدارا می داد. امروز در دانشگاه های کشور دیگر صحبت از حق انتقاد به رهبری بی معناست و انجمن های اسلامی دانشجویان، تشکل های مستقل دانشجویی در سخت ترین شرایط بعد از انتخاب احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ به سر می برند.

تجمع کارگران در اعتراض به معوقات ۳ ماهه

کارگران کارخانه بانی پلاست غرب، در اعتراض به سه ماه حقوق معوقه شان مقابل اداره کار سنجج تجمع کردند. علاوه بر سه ماه حقوق معوقه، بیش از ده ماه است حق بیمه کارگران به تأمین یوسفی پرداخت نشده است. مدیریت این کارخانه با دریافت ۳ میلیارد تومان تسهیلات ادعا میکند قادر به ادامه تولید نیست.

سید کالای ماه رمضان به خانه ها نرسید

سید کالایی ماه رمضان با گذشت ۲۳ روز از این ماه، هنوز به دو میلیون و ۴۰۰ هزار کارمند مشمول تخصیص نیافته است. بنا به اظهارات مسئولان معاونت بازرگانی داخلی، کالاها تا مین و میان استان های مختلف توزیع شده اما به واسطه عدم تخصیص اعتبار از سوی دولت، همچنان این سبدها میان کارمندان توزیع نشده است.

گرانی، مقدمه ظهور امام زمان است!

کاظم صدیقی خطیب نماز جمعه تهران با اشاره به این که «امروز تمام دنیا گرفتار بحران اقتصادی است، مدعی شد: همه دنیا امروز گرفتار گرانی و بیکاری است و این را مقدمه حضور امام عصری دانیم و بوی پیراهن یوسف به مشام می رسد. صدیقی چندی پیش هم ادعا کرده بود که رهبری خدمت امام زمان رسیده است!

افزایش ۲۰ درصدی آمار والدین سر راهی

در ادامه افزایش آسیب های اجتماعی، تعداد والدین سر راهی ۲۰ درصد افزایش یافته است. به گفته دکتر مجید ابهری با توجه به افزایش آمار بیمارها در سنین پیری از آنجا که مراکز نگهداری آنها و هزینه های آن سنگین است و بعضی از فرزندان پدر یا مادر خود را در خیابانها رها می کنند.